

▲ برنامه سوم توسعه، دستور نیروی کار  
مازاد را مورد توجه قرار داده است، اما...

# سیاستگذاری در مورد اشتغال

در برنامه‌های توسعه و بودجه سال ۱۳۷۹ کل کشور

بخش دوم

محمد حسین فاتحی عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

زمینه اشتغال‌زایی دیده نمی‌شود. تعیین اهداف دست‌یافتنی و متناسب با شرایط اقتصادی، طراحی و تدوین سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کارآمد و تسهیل‌کننده، منابع و امکانات لازم و کافی و سازمان‌ها و مؤسسات اجرایی کارا که چهار رکن اساسی استراتژی اشتغال‌زایی هستند، هم در برنامه اول و هم در برنامه دوم مورد توجه و عنایت لازم قرار نگرفته‌اند.

براساس اهداف کمی برنامه اول و دوم، پیش‌بینی شده بود که به ترتیب ۱۹۷۰ هزار و ۲۰۲۰ هزار شغل و در مجموع ۳۹۹۰ هزار شغل طی سال‌های اجرای این برنامه‌ها ایجاد شود، حال آن‌که تعداد شاغلان کشور از ۱۱۰۰۲ هزار نفر در سال ۱۳۶۵، به ۱۴۵۷۲ هزار نفر در سال ۱۳۷۵

اسلامی دو برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران تهیه و اجرا شده و سال ۷۹، اولین سال اجرای برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است. در زیر‌ضمن مرور سیاست‌های اشتغال‌زایی برنامه‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی، به بررسی سیاست‌های بودجه سال ۱۳۷۹ کل کشور در این خصوص خواهیم پرداخت.

سیاست‌های اشتغال‌زایی در برنامه‌های توسعه: اهداف و سیاست‌های اشتغال‌زایی در برنامه‌های اول و دوم توسعه و به ویژه در برنامه دوم توسعه در حاشیه قرار گرفته‌اند. در برنامه اول و دوم توسعه، استراتژی روشن و هدفمندی در

در نخستین بخش این مقاله، نظام بودجه‌ریزی دولتی در ایران و چند کشور آسیایی را ملاحظه کردید. اینکه به سمت پایانی مقاله در مورد سیاست‌های اشتغال‌زایی در برنامه‌های توسعه و بودجه سال ۱۳۷۹ کل کشور می‌پردازیم. بانک و اقتصاد

سیاست‌های اشتغال‌زایی در برنامه‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی و بودجه سال ۱۳۷۹ کل کشور

برنامه‌های توسعه از این جهت حایز اهمیت هستند که مبنای بودجه‌های سنواتی قرار می‌گیرند. پس از انقلاب

رسیده است. به عبارت دیگر، طی ده سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵، تعداد ۳۵۷۰ هزار فرصت شغلی ایجاد شده است. متوسط شغل ایجاد شده در هر سال طی این دوره ۲۲۴/۵ هزار شغل است و متوسط شغل ایجاد شده طی دوره ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۲ سالانه در حدود ۴۷۴ هزار شغل و در مجموع ۳۳۱۸ هزار شغل است. این رقم با توجه به پیش‌بینی برنامه اول که ۳۹۴ هزار شغل در سال است، بیش از پیش‌بینی برنامه می‌باشد. (۱۴)

وجود ظرفیت‌های خالی اقتصاد، به کارگیری حجم عظیمی از سرمایه در طول برنامه اول، وجود رشد ۷ درصدی اقتصاد، استفاده از حجم عظیمی از نیروی کار بدون توجیه اقتصادی در بخش‌های صنعت و خدمات و به ویژه در بخش دولتی و تنها با توجیه اجتماعی و سیاسی، تغییر در تعاریف مرکز آمار ایران و... از مهمترین عواملی هستند که حداقل به صورت آماری موجب موفقیت برنامه اول در زمینه اشتغال‌زایی شده‌اند. (۱۵)

طی سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵ تعداد شاغلان از ۱۴۳۲۰ هزار نفر به ۱۴۵۷۲ هزار نفر رسید، یعنی در هر سال ۸۴ هزار فرصت شغلی ایجاد شده بود. این ارقام نسبت به ۴۰۴ هزار شغل برای هر سال که در برنامه دوم پیش‌بینی شده بود، بسیار ناچیز و قابل تأمل است. طی سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۵ در حدود ۱۲ درصد اهداف اشتغال‌زایی تحقق یافته است. (۱۶)

کاهش درآمدهای نفتی و غیرنفتی طی سال‌های مذکور، بکارگیری سیاست‌های انقباضی پولی و مالی توسط دولت و بانک مرکزی، رکود و کساد جهانی و اقتصاد داخلی، به ویژه در بخش تولید، کاهش رشد سرمایه‌گذاری‌ها، کاهش نرخ رشد اقتصادی، بهبود بهره‌وری نیروی کار و... از جمله عواملی هستند که موجب عدم تحقق اهداف اشتغال‌زایی طی سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۷ شده‌اند، این در حالی است که در نتیجه رشد جمعیت در سال‌های آتی به طور متوسط در هر سال در حدود ۸۰۰ هزار

عرضه جدید نیروی کار خواهیم داشت. (۱۷)

در برنامه سوم توسعه مقرر شده است که به طور متوسط در هر سال ۷۶۵ هزار فرصت شغلی جدید ایجاد شود. برای اولین سال اجرای برنامه، ایجاد ۴۹۵ هزار فرصت شغلی جدید در مدنظر قرار گرفته است. نکته جالب توجه در این برنامه که از بیکاری به عنوان مهمترین دغدغه دولت در پیش نویس خود یاد کرده بود و اشتغال را فوری‌ترین هدف خود قلمداد می‌کرد،

ضعف اطلاع‌رسانی و اطلاعات بازار کار و تلاطمات داخلی و بین‌المللی، به ویژه در حوزه‌های اقتصادی، باعث شده است که آمار دقیقی در خصوص بازار کار وجود نداشته باشد.

برنامه سوم توسعه ذیل ماده ۵۲، صدور نیروی کار مازاد را هدف قرار داده، اما در بودجه سال ۱۳۷۹ کل کشور سیاست‌گذاری‌های اجرایی لازم برای این تصمیم وجود ندارد.

فقدان استراتژی روشن و مشخص برای تحقق این مقدار فرصت شغلی است.

در متن برنامه سیاست‌های متناقضی در خصوص ایجاد فرصت‌های شغلی مشاهده می‌شود که مهمترین آنها خصوصی سازی گسترده‌ای است که تا به حال در ایران سابقه نداشته است و دیگری شرایط استخدام در بخش دولتی است که باید به مقدار بازنشستگان این بخش باشد، آن هم به نحوی که تعداد شاغلان این بخش در سال پایانی برنامه، ۵ درصد کمتر از تعداد شاغلان اولین سال اجرای برنامه باشد.

مهمترین مواد برنامه سوم توسعه که در ارتباط با مباحث اشتغال هستند،

عبارتند از ردیف ۸ و ۹ از بند «ب» و بند «ه» ماده ۱، بند «ه» ماده ۲، بند «الف» «ب» و «ج» ماده ۴، بند «ز» ماده ۵، ماده ۱۰، بند «ب» و «د» ماده ۱۱، ماده ۳۷، ماده ۳۹، ماده ۴۰، ماده ۴۹، ماده ۵۰، ماده ۵۱، ماده ۵۲، ماده ۵۳، ماده ۵۴، ماده ۵۵، ماده ۵۶، ماده ۵۷، بند «ف» ماده ۷۲، بند «ب» ماده ۱۳۲، بند «الف» ماده ۱۴۲، ماده ۱۵۱، ماده ۱۵۵، ماده ۱۵۶، بند «ب» ماده ۱۶۳ و ماده ۱۷۶.

برای مقایسه و بررسی بهتر، برنامه سوم توسعه را با بودجه سال ۱۳۷۹ کل کشور که اولین سال اجرای برنامه تلقی می‌شود، مقایسه می‌کنیم.

بودجه سال ۱۳۷۹ کل کشور: با تأخیری بیش از هر سال بودجه سال ۱۳۷۹ کل کشور به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این بودجه در بند «ز» تبصره ۲، بند «الف»، «ج» و «ط» تبصره ۳، بند «الف» تبصره ۴، بند «الف» «ب» و «ز» تبصره ۷، بند «ب» تبصره ۸، بند «الف» و ردیف ۱ از بند «و»، بند «ج» و «ی» تبصره ۱۰، بند «ط» و «ی» تبصره ۱۳، بند «الف» تبصره ۱۶، بند «ج» تبصره ۲۲، ردیف ۴ از بند «د» تبصره ۲۴، بند «ج» تبصره ۲۷، بند «ب» تبصره ۳۴، بند «د» تبصره ۳۶، بند «ب» تبصره ۳۷ و بند «ب» تبصره ۳۸ در خصوص اشتغال تصمیم‌گیری کرده و در هیچ موردی راهکار و استراتژی‌ای برای استحصال ۴۹۵ هزار فرصت شغلی جدید ارایه نداده است. حتی صدور نیروی کار مازاد کشور که در ماده ۵۴ قانون برنامه سوم دیده شده، در هیچ جایی از قانون بودجه سال ۱۳۷۹ کل کشور دیده نشده است.

ضعف اطلاع‌رسانی و اطلاعات بازار کار و تلاطمات داخلی و بین‌المللی، به ویژه در حوزه‌های اقتصادی باعث شده است که آمار دقیقی در خصوص بازار کار وجود نداشته باشد و برنامه‌ریزی برای این قسمت از بازارهای داخلی یا ممکن نباشد یا در صورت وقوع محقق نشود.

با دقت در مفاد مواد برنامه سوم توسعه مشخص می‌شود که در زمینه ایجاد فرصت‌های جدید شغلی برنامه سوم

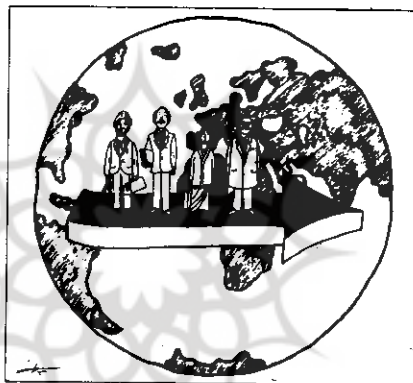
توسعه در موارد زیادی با هدف قرار دادن حمایت از طرح‌های اشتغال‌زا، به ویژه در مناطق محروم و کمتر توسعه یافته تاکید خود را در این زمینه نشان داده است. به عنوان مثال، مواد ۵۱، ۵۵، ۵۶، ۵۷، بند «ب» ماده ۷۲، بند «الف» ماده ۱۴۲ و بند «ب» ماده ۱۶۳ اینگونه هستند. این موضوع در لایحه بودجه سال ۱۳۷۹ در بند «ج» تبصره ۳، بند «ط» تبصره ۱۳، بند «الف» تبصره ۱۶ و بند «ج» تبصره ۲۷ دیده می‌شود.

در برخی از موارد تأکیدی در قانون برنامه سوم مشاهده می‌شود که در لایحه بودجه سال ۱۳۷۹ دیده نمی‌شود، از جمله ماده ۴۹، ۵۰، ۵۶، ۵۷، بند «الف» ماده ۷۲، بند «الف» ماده ۱۴۲ و بند «ب» ماده ۱۶۳ برنامه سوم توسعه از مواردی هستند که جایگاه قابل بحثی در لایحه بودجه سال ۱۳۷۹ پیدا نکرده‌اند.

طبق بند «ب» ماده ۱ برنامه سوم ارتقای بهره‌وری و کارایی نیروی انسانی و مدیریت دستگاه‌های اجرایی منوط به تشکیل شورای عالی اداری و تصویب طرح‌های لازم در این شورا است. مفاد بند «ج» تبصره ۲ و بند «د» تبصره ۲۴ لایحه بودجه را می‌توان در راستای اهداف این شورا در ارتقای بهره‌وری دانست. تبصره‌های مذکور را همچنین می‌توان در راستای تحقق ماده ۱۵۵ برنامه سوم به منظور حفظ و افزایش سطح کارایی نیروی انسانی شاغل در دستگاه‌های اجرایی به شمار آورد.

مواد ۵۲، ۵۱، ۱۵۶ برنامه سوم هر یک به گونه‌ای در جهت هماهنگی در امر سیاست‌گذاری و نیز توسعه و ارتقای کمی و کیفی مهارت‌های فنی و حرفه‌ای و حمایت از این نوع آموزش در کشور لحاظ شده‌اند، هر چند که به نظر می‌رسد برنامه سوم توسعه با اجتناب از سیاست‌گذاری‌های تکمیلی در این زمینه سعی کرده است در قالب ماده ۱۵۶ این امر را به دوش ستاد هماهنگی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای قرار دهد. در مواردی از بودجه سال ۱۳۷۹ کل

کشور می‌توان اهتمام دولت را به امر آموزش فنی و حرفه‌ای دید. دولت براساس بند «الف» و «ب» تبصره ۷ و بند «ب» تبصره ۸ جلدای از سیاست‌گذاری‌های لازم در این مورد، سعی در احداث و تکمیل و تجهیز و توسعه مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای دارد. برنامه سوم توسعه سعی دارد با کوچک سازی حجم دولت و تجمیع فعالیت‌های مشابه در یک سازمان واحد (بند «ه» ماده ۲ برنامه سوم توسعه) و واگذاری سهام شرکت‌های قابل واگذاری بخش دولتی (ماده ۱۰) و نیز بازننگری در



مقررات و روابط کار (بند «ب» از ماده ۵) در راه ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی و در نتیجه، افزایش بهره‌وری فعالیت‌های اقتصادی کشور قدم بر دارد.

براساس بند «الف» تبصره ۳۸ قانون بودجه سال ۱۳۷۹، اصلاح ساختار نیروی انسانی علاوه بر وزارت جهاد سازندگی و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های وابسته به آن، به وزارت راه و ترابری نیز تسری یافته است و این نشان از وجود نیاز به اصلاح ساختاری در نیروی انسانی در این دو وزارتخانه دارد. از آنجایی که به احتمال قریب به یقین این اصلاح ساختاری تنها متوقف به این دو مورد نشده و دولت یا هر شخص ذی‌صلاح دیگر با کمی بررسی و دقت در ساختار نیروی انسانی دستگاه‌های دولتی می‌تواند این نیاز را در آنها مشاهده نماید، لذا قانون‌گذار مطابق بند «ب» ماده ۱ برنامه سوم سعی

کرده است با پیش‌بینی تشکیل شورای عالی اداری، ضمن اصلاح و تجدید نظر در ساختار تشکیلات این مراکز، موجبات اصلاح سیستم‌ها، روش‌ها و رویه‌های مورد عمل در آنها را فراهم آورده و ضوابط و معیارهای لازم در جهت بهینه‌سازی ساختار و ترکیب و توزیع نیروی انسانی را تصویب کند و به اجرا در آورد. از طرف دیگر، برنامه سوم توسعه در بندهای «الف»، «ب» و «ج» ماده ۴ بهینه‌سازی و اصلاح ترکیب و توزیع نیروی انسانی خود را منوط به تدوین برنامه جامع نیروی انسانی توسط سازمان امور اداری و استخدامی کشور دانسته است. به نظر می‌رسد که اهداف مورد نظر این ماده می‌تواند در هماهنگی با وظایف و اختیارات شورای عالی اداری مندرج در بند «ب» ماده ۱ برنامه سوم توسعه موجب آن شود که دولت ضمن انجام اصلاحات ساختاری لازم در نظام اداری خود، بتواند به منظور کاهش تصدی‌ها، تقویت اعمال حاکمیت و نظارت دولت، فراهم آوردن زمینه مشارکت مؤثر مردم در اداره امور و تبیین دقیق وظایف واحدهای ملی و استانی در برنامه‌ریزی و اجرا و واگذاری فعالیت‌های مشابه به سازمان‌های واحد، زمینه لازم در نیروی انسانی شاغل در امور مربوطه را نیز ایجاد نماید.

بند «ه» ماده ۲ برنامه سوم توسعه به دنبال دستیابی به اهداف فوق سعی در تجمیع فعالیت‌های مربوط به یک وزارتخانه در یک سازمان استانی دارد که این مورد نیز جزو وظایف و اختیارات شورای عالی اداری محسوب می‌شود (ردیف ۴ از بند «ب» ماده ۱ قانون برنامه سوم توسعه).

تأمین شغل مناسب و متناسب با روحیات و توانایی‌های هر فرد و آزادی عمل در انتخاب شغل و نیز نیل به اشتغال کامل همراه با ارتقای خصایل الهی در افراد جزو اهداف اصلی نظام اسلامی است که در قانون اساسی نیز به وضوح مورد توجه قرار گرفته است. در کنار آن، توجه اساسی معطوف به صیانت از شغل و حمایت از شاغلان می‌باشد. از آنجایی که

مطابق اصل ۲۲ قانون اساسی، شغل افراد می‌باید از تعرض مصون بماند، لذا در اجرای بند «ب» ماده ۱۱ برنامه سوم توسعه در زمینه واگذاری سهام شرکت‌های قابل واگذاری لازم است ضمن حفظ حرمت شاغل، نسبت به عدم تعرض به شغل افراد نیز توجه لازم مبذول شود. در اعمال بند «د» از ماده ۱۱ از آنجایی که یکی از ارزش‌های فوق‌العاده مهم مورد نظر در اسلام کار و فعالیت و کسب روزی حلال است، لذا این بند از ماده ۱۱ برنامه سوم توسعه ضمن تأکید مجدد بر حرمت شاغل، بر صیانت شغل از تعرض اصرار دارد.

مطابق مواد ۳۷ تا ۴۱ برنامه سوم توسعه، دولت به منظور حفظ و حمایت از اقبال مختلف جامعه و سرمایه انسانی و نیروی کار کشور با ارائه خدمات بیمه همگانی شامل درمان، بازنشستگی، بیکاری، بازماندگان، از کارافتادگان، حوادث، سوانح و غیره، افراد جامعه را تحت پوشش حمایتی قرار می‌دهد.

یکی از سیاست‌های مورد نظر دولت برای ارتقای کارایی و بهره‌وری نیروی انسانی و به تبع آن کل اقتصاد، ادغام یا انحلال یا واگذاری مؤسسات است. در این زمینه می‌توان به رهنمودهای برنامه سوم توسعه در قالب بند «ه» ماده ۲ در مورد کوچک‌سازی و تجمیع فعالیت در یک سازمان واحد و به بندهای مرتبط در فصل دوم و سوم قانون برنامه سوم توسعه در مورد ساماندهی شرکت‌های دولتی و واگذاری سهام شرکت‌های دولتی اشاره کرد.

در همین راستا ردیف ۹ از بند «ب» ماده ۱ برنامه سوم توسعه ضوابط و دستورالعمل‌های مربوط به تعیین تکلیف نیروی انسانی دستگاه‌هایی را که براساس مصوبات شورای عالی ادغام، منحل، واگذار یا وظایف آنها به دستگاه‌های دیگر واگذار می‌شود، جزو وظایف و اختیارات این شورا بر شمرده است.

در بودجه سال ۱۳۷۹ کل کشور در مورد واگذاری‌های مطروحه در بند «ز» تبصره ۲، بند «ج» و «ی» تبصره ۱۰ به

منظور پرداخت بدهی و دیون دولت از طریق انتقال سهام متعلق به دولت در غیاب شورای عالی ادغام، تمهیدی در مورد تعیین تکلیف نیروی انسانی اندیشیده نشده و شایسته است که برای این موضوع در سال‌های بعد چاره‌ای اندیشیده شود.

برنامه سوم توسعه ذیل مساهده ۵۴، صدور نیروی کار مازاد را هدف قرار داده و با پیش‌بینی تشکیل کمیته‌های خاص در زمینه برنامه‌ریزی، هدایت و نظارت بر اعزام نیروی کار به خارج نیز چگونگی برقراری تسهیلات و حمایت‌های لازم از اعزام شوندگان و اعزام کنندگان سعی در هدایت، گسترش، حمایت و قانونمند کردن این امر نموده است. با وجود تقریبی ۳ میلیون بیکار در کشور، این صدور نیروی انسانی و نیروی کار مازاد، علاوه بر کسب درآمد ارزی برای کشور، با کاهش نرخ بیکاری در داخل کشور مسایل و مشکلاتی را که همیشه با معضل بیکاری هم‌زاد هستند، کاهش خواهد داد. در بودجه سال ۱۳۷۹ کل کشور سیاست‌گذاری‌های اجرایی لازم برای این تضمین وجود ندارد.

### سخن آخر

ضعف اطلاع‌رسانی، نبود سیستم‌های کارآمد پیگیری و کنترل طرح‌های عمرانی و بودجه کل کشور، وابستگی درآمد دولت، به ویژه در قسمت ارزی به درآمدهای حاصل از فروش نفت و سهم ناچیز سرمایه‌گذاری در استخراج و فرآوری نفت و گاز در ایجاد اشتغال در کشور، بالا بودن ریسک سرمایه‌گذاری در داخل کشور، تلاطمات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاد در کشور و ... همه و همه به عنوان متغیرهای برون‌زا، توان تصمیم‌گیری را از مدیران برنامه‌ریزان کشور گرفته‌اند. از طرف دیگر، ضعف در برنامه‌های توسعه و فقدان استراتژی مشخص و معین در خصوص بازار کار، مهمترین عوامل داخلی ناهماهنگی موجود در تحقق اهداف برنامه‌های ویژه بازار کار هستند. در پیش‌نویس برنامه سوم از اشتغال به عنوان فوری‌ترین هدف یاد شده

بود و بیکاری مهمترین دغدغه دولت قلمداد شده بود، ولی در عمل و در زمان تصمیم‌گیری توجهی به فوری‌ترین هدف و مهمترین دغدغه نشده است.

تقریباً هیچ راهکار مشخصی در بودجه سال ۱۳۷۹ کل کشور برای رسیدن به اهداف مشخص شده در پیوست‌های سند برنامه سوم توسعه دیده نمی‌شود. این عدم هماهنگی بیشتر بین قانون برنامه سوم توسعه و پیوست‌های آن که در واقع مستندات، سیاست‌های اجرایی، رهنمودهای کلی و راهکارهای اجرایی را در خود گنجانده است، وجود دارد.

فصل شش از جلد اول از پیوست شماره دو لایحه برنامه سوم توسعه به سیاست‌های اشتغال برنامه سوم توسعه مربوط است. در این فصل ضمن مرور روند عرضه و تقاضای نیروی کار و مشکلات و نارسایی‌ها، به بیان رهنمودهای کلی و سیاست‌های اجرایی و راهکارهای مرتبط با این موضوع پرداخته شده است. این موضوعات تناسب بسیار کمی با یکدیگر دارند. این عدم تناسب در متن قانون برنامه سوم توسعه و لایحه بودجه سال ۱۳۷۹ کل کشور تکرار شده و در نهایت، رسیدن به اهداف مندرج در مستندات برنامه سوم توسعه در خصوص اشتغال را در ابهام باقی می‌گذارد. این ابهام بنا به دلایلی که گفته شد، بین قانون برنامه سوم توسعه و لایحه بودجه سال ۱۳۷۹ کل کشور به نسبت بسیار کمتر است، چرا که نحوه طرح موضوع در متن قانون برنامه سوم توسعه کمتر کمی بوده و در لایحه بودجه نیز بیشتر به مسایل تخصیص و توزیع اعتبارات توجه شده است و موضوعات از این حیث مورد دقت نظر قرار گرفته‌اند. به عنوان مثال، در صفحه ۱۴۱ و ۱۴۲ از جلد اول پیوست شماره ۲ لایحه برنامه سوم توسعه و در فصل سیاست‌های اشتغال می‌خوانیم: «با توجه به عرضه جدید در حال تکوین و با فرض این که نرخ بیکاری در سال ۱۳۸۳ برابر میزان مشابه در سال ۱۳۷۵، یعنی ۹/۱ درصد باشد، با الزام دستیابی به نرخ رشد تولید ۷/۲ درصد در سال، لازم است



سقف اشتغال در سطح ملی، از حدود ۱۵۰۸۵ هزار نفر برآورد شده فعلی (سال ۱۳۷۸) تا سال ۱۳۸۳ به رقمی در حد ۱۹۵۴۲ هزار نفر افزایش یابد که این به مفهوم لزوم ایجاد به طور متوسط سالانه حدود ۸۹۱ هزار فرصت شغلی در طول سال‌های برنامه سوم توسعه کشور است. همچنین، پیش‌بینی می‌شود در صورت تحقق نرخ رشد اقتصادی ۶ درصد در طول برنامه، تعداد کل شاغلان به ۱۸۴۸۰ هزار نفر بالغ گردیده و به تبع آن، نرخ

با تمام این اوصاف، در متن لایحه و قانون برنامه سوم توسعه و متن لایحه و قانون بودجه سال ۱۳۷۹ کل کشور هیچ ماده و تبصره‌ای به طور مشخص به این میزان اشتغال‌زایی نپرداخته است. به عبارتی، در نهایت مشخص نشده که این فرصت‌های شغلی جدید توسط چه دستگاه‌هایی و با اتخاذ چه سیاست‌های مشخصی و در چه حوزه‌هایی تحقق پیدا خواهد کرد؟ و از همه مهمتر، چه ضمانت اجرایی برای تحقق این سیاست‌ها وجود

رده‌های مختلف جامعه و مسوولان و برنامه‌ریزان در خصوص تمام جنبه‌های بازار کار داخل کشور و ترجیحا خارج از کشور توسط وزارت کار و امور اجتماعی با همکاری تمام دستگاه‌های دولتی ذی‌ربط.

۲- تعیین نقش و کارکرد هر دستگاه دولتی در ایجاد فرصت‌های شغلی مورد نظر برنامه سوم توسعه در هر سال از برنامه سوم توسعه از جنبه‌های مختلف و مرتبط.

۳- تعیین شاخصی برای توزیع اعتبارات عمرانی بودجه کشور در مناطق مختلف کشور براساس نرخ بیکاری، به ویژه برای طرح‌های عمرانی با نرخ اشتغال‌زایی بالا.

۴- تعیین شاخصی برای تعیین اولویت طرح‌های عمرانی براساس اشتغال‌زایی آنها در سمت و سوی اهداف برنامه سوم توسعه.

۵- انعطاف‌پذیر کردن برنامه‌های ویژه اشتغال متناسب با زمان.

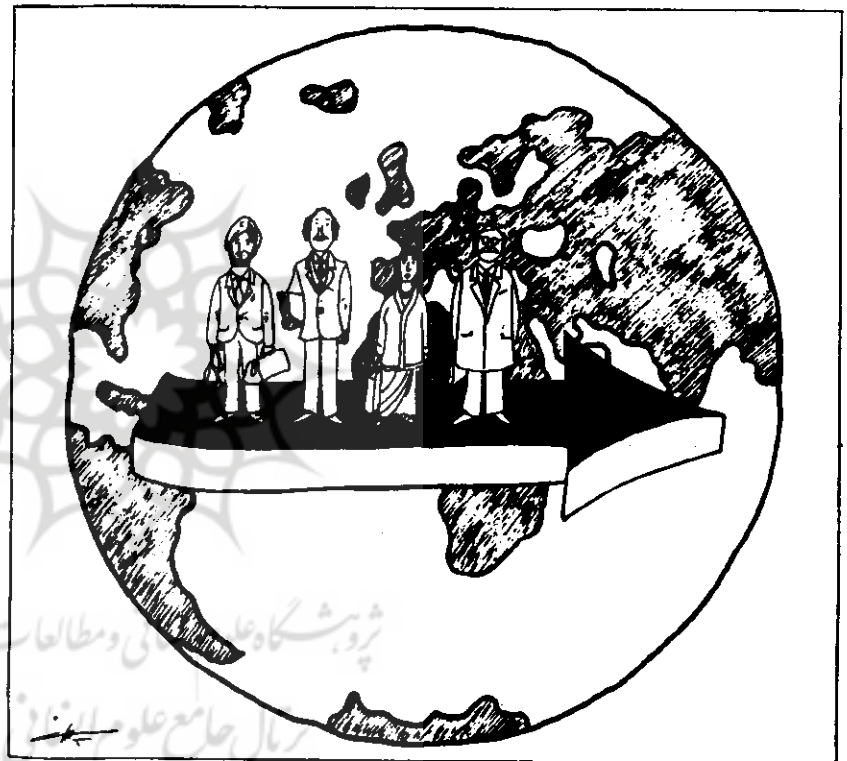
۶- تعیین اهداف دست یافتنی و متناسب با شرایط اقتصادی در این خصوص.

۷- طراحی و تدوین سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کارآمد و تسهیل‌کننده.

۸- تأمین منابع و امکانات لازم و کافی.

۹- تغییر ساختار آموزشی کشور به سمت رشته‌های تحصیلی کارآفرین.

۱۰- توسعه مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای.



دارد؟ به عبارت دیگر، در صورت نرسیدن به اهداف برنامه سوم توسعه در این مورد، نسخه بعدی چه خواهد بود؟

### پیشنهادها

با توجه به موارد مذکور در فوق، پیشنهادهای زیر برای هر چه نزدیکتر کردن برنامه‌ها و سیاست‌های اشتغال‌زایی دولت برای دستیابی به آنچه در برنامه سوم در این مورد وظیفه خود قرار داده است، ارائه می‌شوند:

۱- جمع‌آوری، طبقه‌بندی، نگاهداری و ارائه گزارش‌های آماری متوالی در مقاطع مختلف و مشخص برای

بیکاری در سال پایانی برنامه به ۱۴ درصد خواهد رسید و این مستلزم ایجاد به طور متوسط ۶۷۹ هزار فرصت شغلی در سال می‌باشد، حال آنکه با توجه به عملکرد اقتصاد کشور که در دوره‌های طبیعی (به استثنای سال‌های ۷۰-۱۳۶۵، دوره بعد از جنگ تحمیلی) منجر به بروز نرخ رشدی حدود ۲/۳ درصد در سطح اشتغال شده، با تداوم آن حجم اشتغال تا سال ۱۳۸۳ از ۱۶۰۹۱ هزار نفر تجاوز نخواهد کرد و این به منزله مواجه شدن کشور با ۴/۶ میلیون جمعیت بیکار و ابتلای به نرخ بیکاری حدود ۲۱/۴ درصد و آسیب‌پذیر شدن کشور است.

### زیرنویس‌ها

- (۱۴) مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی / ارزیابی سیاست‌های اشتغال‌زایی در برنامه اول و دوم / تهران / مجلس شورای اسلامی / اردیبهشت ۱۳۷۸ / صفحه ۲.
- (۱۵) همان.
- (۱۶) مأخذ پیشین / صفحه ۳.
- (۱۷) همان.